

مقایسهٔ زمان فعل فارسی معیار و تاجیکی

حکمت ملک‌زاده (دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی)

چکیده: زبان فارسی تاجیکی از زبان‌های ایرانی غربی و همان فارسی دری است با تفاوت‌هایی در واژگان، آواها و برخی ویژگی‌های صرف و نحوی با زبان فارسی، که این دو زبان را از هم متمایز می‌کند.

این مقاله در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های فعل از نظر زمان (گذشته، حال و آینده) در این دو زبان است. بعد از ذکر چند نمونه تفاوت آوایی و واژگانی، زمان، شخص، شمار، اساس، فعل و صفت مفعولی معرفی می‌شود؛ سپس انواع فعل‌ها در سه زمان و وجوه اشتراک و اختلاف آنها در زبان تاجیکی و فارسی معیار؛ همچنین فعل‌های رایج تاجیکی که در فارسی کاربردی ندارد، ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: فارسی، تاجیکی، صفت مفعولی، فعل، زمان

۱. مقدمه

زبان فارسی یکی از بزرگ‌ترین زبان‌های آریایی به شمار می‌آید. خاستگاه آن در دورهٔ باستان، بنابر پژوهش‌های زبان‌شناسان، منطقه‌ای در استان فارس و بخش‌هایی در استان خوزستان است. در ادامهٔ آن، زبان فارسی میانه و فارسی نو (Modern Persian) یا دری

است که رویش و بالش خود را از خراسان و ماوراءالنهر آغاز کرد. این زبان، درحال حاضر، در ایران با نام پارسی / فارسی دارای گونه‌ها و لهجه‌های گوناگون است، همچنین در کشورهایی چون تاجیکستان با نام تاجیکی، در افغانستان با اصطلاح دری و نیز در بعضی از نواحی ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان انواعی از آن به کار می‌رود. این زبان‌ها سه شاخه از زبان واحد فارسی است که هرکدام در کشور خود به عنوان زبان ملی به کار می‌روند، که شامل زبان ادبی (معیار)، گفتار عامیانه و لهجه‌های محلی (گویش‌ها) است. زبان فارسی در زمان سامانیان به اوج ترقی و تکامل خود دست یافت؛ اما از سدهٔ دهم هجری به بعد، با روی کار آمدن خاندان ازبک و سنی شیبانیان در فرارود و صفویان در ایران و شدت درگیری‌های مذهبی و سیاسی، ارتباط زبان فارسی ایران با آن کشورها قطع شد، به‌ویژه در کشورهای شمالی ایران که تحت نفوذ روس‌ها بودند. هر زبان نیز در نواحی خود به رشد و نمو ادامه داد و سیر تکاملی جداگانه‌ای را طی نمود تا گونه‌های مختلفی از آن زبان اصلی شکل‌گرفت، طوری که هر کشور صاحب گویش‌ها و لهجه‌هایی شد. اینک این زبان در ایران تفاوت‌های آوایی یا واژگانی دارد، اما تفاوت دستوری به‌ندرت بین آنها یافت می‌شود. همین جریان در کشورهای هم‌زبان ما نیز ادامه یافته است و با رو در رویی آنها با زبان فارسی معیار ما، نه‌تنها تفاوت آوایی و واژگانی بلکه تفاوت دستوری نیز مشاهده می‌شود؛ دلیل آن، همان‌طور که ذکر شد، جدایی این زبان، تقسیم آن به چندین بخش و تأثیرپذیری از زبان کشورهای هم‌جوار آنهاست.

و اما زبان تاجیکی؛ این اصطلاح از سال ۱۹۲۴ از وقتی که جمهوریت مختار تاجیکستان تأسیس شد، رسمیت پیدا کرد. برخی آن را گویشی به نام تاجیکی جدید می‌نامند؛ برخی دیگر آن را زبانی مستقل و زبان فارسی ایران را متأثر و برگرفته از آن می‌دانند، تا آنجا که زبان امروزی مردم بعضی از ولایات ایران را نیز زبان تاجیکی به حساب می‌آورند و مناطق شمالی و غربی ایران را تاجیک‌نشین می‌خوانند. در هر صورت، با فاصله افتادن میان حوزهٔ جغرافیایی و قطع رابطهٔ دو زبان فارسی و تاجیکی، تفاوت‌هایی میان رشد این دو زبان — که اساساً یکی بوده — به وجود آمده است. یکی از این تفاوت‌ها، در بخش دستور، مربوط به زمان افعال است، که در مقالهٔ حاضر ارائه شده است.

بنابر اینکه در این مقاله قرار است فعل‌های فارسی معیار ایران با فعل‌های معیار تاجیکی مقایسه و بررسی شود، در آغاز، برای آگاهی بیشتر از تفاوت‌های این دو گونه زبانی، چند نمونه از تفاوت‌های آوایی و واژگانی آنها را مطرح می‌کنیم، سپس به زمان افعال می‌پردازیم.

(۱) نمونه‌هایی از تفاوت‌های آوایی:

فارسی معیار	تاجیکی
/ârezu/	(ȳ)/ârzu/
/irân/	()/e:rân/
/pedar/	()/padar/
/peyrow/	()/payrav/
/târix/	()/ta:(?)rix/
/tekrâr/	()/takrâr/
/erâ γ/	()/ arâ γ/
/dâye/	()/dâya/
/dovvom/	()/doyum/
/šekl/	()/šakl/
/gedâ/	()/gadâ/

(۲) نمونه‌هایی از تفاوت‌های واژگانی:

فارسی	آماده	دبستان	جشن	حیاط	حرف	خراب	عکس
	âmâde	dabestân	jašn	hayât	harf	xarâb	aks
تاجیکی	تیار	مکتب	توی	حولی	گپ	ویران	صورت
	tayâr	maktab	tuy	hawuli	gap	vayrân	surat
فارسی	شناسه	گذاشتن	لاغر	لفظی	مدرک	نقاش	
	šenâse	gozâştan	lâyar	lafzi	madrak	naqqâš	
تاجیکی	بندک	ماندن	خراب	دهنکی	حجت	رسام	
	bandak	mândan	xerâb	dahanaki	hojjat	rassâm	

قبل از پرداختن به تفاوت زمان افعال در فارسی معیار و تاجیکی، لازم است چند نکته در مورد فعل، اساس، شناسه، شخص، شمار و صفت مفعولی در این دو گونهٔ زبانی مطرح شود:

— زمان فعل از ساخت آن مفهوم می‌شود. در زبان تاجیکی و فارسی، فعل سه زمان دارد: ۱) گذشته (ماضی)؛ ۲) حال (مضارع)؛ ۳) آینده (مستقبل).
— اساس (بن) زمان در فارسی معیار و تاجیکی دو گونه است: اساس حال و اساس گذشته.
— شخص فعل‌ها در هر دو زبان، سه شخص است. در اول شخص و دوم شخص جمع، تاجیکی دو صورت جمع ضمیر (مایان، شمایان) نیز افزون بر ضمائر دیگر دارد؛ ضمائر تاجیکی:

جمع	تنها (مفرد)	
ما، مایان /mâ, mâyân/	من /man/	شخص یکم (گوینده)
شما، شمایان /šomâ, šomâyân/	تو /to/	شخص دوم (شنونده)
آنها /ânhâ/	او (وی) /u, vay/	شخص سوم (دیگری، غایب)

— شمار فعل نیز در هر دو زبان مانند هم است: تنها (مفرد)، جمع.
— شناسه (بندک) در زبان تاجیکی نیز مانند زبان فارسی معیار است، جز اینکه «یم»
/yam/ در اول شخص تنها، «ید» /yad/ در سوم شخص تنها، و «ایتان» /itân/ و «پند»
/yand/ در دوم شخص و سوم شخص جمع به آن افزوده می‌شود.

جمع	تنها (مفرد)	
ایم /-im (e:m)/	- ام (یم) /-am (yam)/	شخص یکم (گوینده)
اید (ایتان) /-id (e:d, itân)/	- ی /-i/	شخص دوم (شنونده)
اند (پند) /-and (yand)/	- د (ید) /-ad (yad)/	شخص سوم (دیگری، غایب)

— در فارسی معیار، صفت مفعولی یک صورت دارد: اساس زمان گذشته + /e/، مانند شسته، زده، رفته؛ اما در تاجیکی پنج گونه دارد که به آن صفت فعلی هم می‌گویند،

از این جهت که از ریشه فعل و مصدر گرفته می‌شود. صفت مفعولی در این زبان گاه معنی مفعولی و گاه معنی فاعلی دارد. انواع صفت مفعولی در زبان تاجیکی:

(۱) زمان گذشته که دو صورت دارد:

اساس زمان گذشته + آ، a، مانند آمده /âmad-a/، شنیده /šonid-a/.

اساس زمان گذشته + آگی (agi)، مانند خواندگی /xând-agi/، شدگی /šod-agi/.

(۲) زمان حاضر-آینده + پیشوند «می» + صفت زمان گذشته (صفت مفعولی) + «آگی» agi،

مانند می‌رفتگی /me:-raft-agi/، می‌شدگی /me:-šod-agi/، می‌خواندگی /me:-xând-agi/.

(۳) زمان حاضر معین که دو شکل دارد:

اساس زمان گذشته + آ، a (صفت مفعولی) + ایستاد + آ، a (= صفت فعلی زمان گذشته

فعلی و صفت فعلی گذشته فعل یاری‌دهنده ایستادن)؛ مانند «آمده ایستاده» /âmad-a istâd-a/،

«خوانده ایستاده» /xând-a istâd-a/.

صفت مفعولی + ایستاد + «آگی» agi، مانند خوانده ایستادگی /xând-a istâd-agi/، شنیده

ایستادگی /šonid-a istâd-agi/.

۲. تفاوت زمان افعال در فارسی معیار و تاجیکی

۱.۲. زمان گذشته

زمان گذشته یا ماضی مربوط به عملی است که در گذشته اتفاق افتاده، تمام شده یا قبل و بعد از عمل دیگری صورت گرفته و یا ممکن است هنوز ادامه داشته باشد.

فعل‌های گذشته در هر دو زبان شکل‌ها و نام‌های متعددی دارد.

انواع زمان گذشته (ماضی) در زبان فارسی: (۱) گذشته ساده (ماضی مطلق؛ ۲) گذشته

نقلی؛ (۳) گذشته استمراری؛ (۴) گذشته نقلی مستمر؛ (۵) گذشته بعید (دور)؛ (۶) گذشته

ابعد (دورتر)؛ (۷) گذشته التزامی؛ (۸) گذشته ملموس (ناتمام)؛ (۹) گذشته ملموس

نقلی.

انواع زمان گذشته در زبان تاجیکی: (۱) گذشته نزدیک (عادی)؛ (۲) گذشته نقلی؛

رفته‌ام، رفتگی؛ (۳) گذشته دور؛ (۴) گذشته دور نقلی؛ (۵) گذشته

حکایگی: می‌رفتم؛ ۶) گذشته حکایگی نقلی: می‌رفته‌ام؛ ۷) گذشته دوام‌دار: رفته ایستاده‌ام؛ ۸) گذشته دوام‌دار حکایگی: رفته می‌ایستادم؛ ۹) گذشته دور دوام‌دار (معین): رفته ایستاده بودم؛ ۱۰) گذشته دور دوام‌دار (معین) نقلی: رفته ایستاده بوده‌ام؛ ۱۱) گذشته (نقلی) احتمالی: رفتگیستم، رفتگیم (ام)؛ ۱۲) گذشته شرطی- خواهشمند: رفته باشم؛ ۱۳) گذشته التزامی در زمان حال: می‌رفته باشم؛ ۱۴) گذشته (یا حال) التزامی در حال انجام: باید رفتگی باشم.

۱.۱.۲. ماضی مطلق (گذشته ساده)

گذشته ساده فارسی معیار برابر با زمان گذشته نزدیک (عادی) در زبان تاجیکی است که هردو از بن ماضی (اساس زمان گذشته) + شناسه (بندک‌های فعلی) ساخته می‌شود و سوم شخص مفرد آن، همان بن ماضی (اساس فعل) است؛ یعنی شناسه (بندک فعلی) ندارد (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۴۵؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۱۲-۲۱۳).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی
شخص یکم (گوینده)	رفتیم /raft-e:m/, /raft-im/
شخص دوم (شنونده)	رفتید /raft-e:d/, /raft-id/
شخص سوم (دیگری، غایب)	رفتند /raft-and/, /raft-and/
رفتیم	/raft-am/, /raft-am/
رفتگی	/raft-i/, /raft-i/
رفت	/raft/, /raft/

۲.۱.۲. ماضی (گذشته) نقلی

ماضی نقلی از صفت مفعولی (بن ماضی یا اساس فعل + ه) و فعل‌های یاری‌دهنده ام، ای، است، ایم، اید، اند ساخته می‌شود. این فعل در تاجیکی چند صورت دارد:
الف) شبیه فارسی معیار: این صورت فعل در زبان گفت‌وگو و زبان ادبی (نظم و نثر) تاجیکی کاربرد دارد و تنها تفاوت آن با گذشته نقلی فارسی معیار در آوای آن است (انوری و احمدی گیوی، ۱۳۷۵: ۲/ ۴۷؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۱۴-۲۱۵).

تاجیکی	فارسی، تاجیکی	تاجیکی	فارسی، تاجیکی
شخص یکم (گوینده)	رفته‌ام /rafta-am/ /rafte-am/	رفته‌ایم /rafta-e:m/ /rafte-im/	
شخص دوم (شنونده)	رفته‌ای /rafta-i/ /rafte-i/	رفته‌اید /rafta-e:d/ /rafte-id/	
شخص سوم (دیگری، غایب)	رفته‌است /rafte ast/ /rafta-ast/	رفته‌اند /rafte-and/ /rafta-and/	

ب) شبیه به شکل کهن آن که در فارسی معیار رایج نیست و به فعل‌های نیشابوری معروف است ولی در تاجیکی کاربرد دارد؛ ساخت آن: «صفت مفعولی + استم، استی... در کتاب گراماتیکی زبان ادبی حاضرۀ تاجیک چنین آمده است: این فعل از گذشته نقلی سیم تنها به اضافه بندک‌های خبری (شناسه‌ها) درست می‌شود:

کنون رزم سهراب و رستم شنو دگرا شنیدستی این هم شنو

(فردوسی)

سیم را از کناره آن تنیدستیم ما نور بخشنده چراغان را کشیدستیم ما

(تورسون‌زاده) (همان: ۲۱۴)

ج) با صفت مفعولی + آ /a/ + شکل کوتاه است: (ست)؛ در این مورد در شکل افاده فعل نقلی در گراماتیکی زبان ادبی حاضرۀ تاجیک چنین آمده است: فعل نقلی در شکل فعل حال (صفت مفعولی زمان گذشته) + آ /a/ که در نظم و نثر قدیم کاربرد داشته اما در زبان حاضر تنها در نظم رایج است، که بیشتر شخص سیم تنها را می‌فهماند: این موقع که امروز بخاراست، آبگیر بودست (تاریخ نرشنخی) (همان‌جا).

د) با صفت فعلی زمان گذشته با پسوند (سوفیکس) «گی» /gi/ که در گفت‌وگو و نثر ادبی کاربرد دارد: خواندگی، دیدگی؛ مثال: «شریک‌ها اکنون رفته کار را گرفته ماندگی...» (همان‌جا). مانند فعل‌های زیر که از نظر معنی با گذشته نقلی در فارسی معیار برابر است (رفته‌ام، رفته‌ای... ولی طرز ساخت و کاربرد آن در فارسی وجود ندارد.

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفتگی یم /raftagi-ye:m/	رفتگیم /raftagi-yam/	شخص یکم (گوینده)
رفتگی ید /raftagi-ye:d/	رفتگی ی /raftagi-yi/	شخص دوم (شنونده)
رفتگی یند /raftagi-yand/	رفتگی یست /raftagi-yast/	شخص سوم (دیگری، غایب)

صفت مفعولی ذکر شده (رفتگی/raftagi) گاه با ضمائر شخصی پیوسته (م /m/ ت /t/ ش /š/ مان /mân/ تان /tân/ شان /šân/) مفهوم مصدری می‌دهد؛ مانند: گفتنمان /goftagi-mân/ رفتنت /raftagi-t/ دیدنش /didagi-š/ در بعضی از لهجه‌های تاجیکی نیز به جای کوتاه‌شدهٔ فعل است (ام، ای، ...)؛ این ضمائر شخصی در کنار صفت مفعولی برای ساخت گذشتهٔ نقلی استفاده می‌شود: خوردگیتان /xordagi-tân/ = خورده‌اید. این دو صورت نیز در فارسی کاربردی ندارد.

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفتگیمان /raftagi-mân/	رفتگیم /raftagi-m/	شخص یکم (گوینده)
رفتگیتان /raftagi-tân/	رفتگیت /raftagi-t/	شخص دوم (شنونده)
رفتگیشان /raftagi-šân/	رفتگیش /raftagi-š/	شخص سوم (دیگری، غایب)

هـ) گاهی برای ماضی نقلی از صفت مفعولی و فعل کمکی ایستادن استفاده می‌شود و آن زمانی است که با مفهوم تکرار (مول کرتی /mul kerati/) همراه باشد: گفته ایستاده‌ام /...gofta-istâda-am/ یعنی «بارها گفته‌ام»، که ساخت آن شبیه حال دوام‌دار (حال در حال انجام) است. این نوع فعل نیز در فارسی وجود ندارد (همان: ۲۱۵).

۳.۱.۲. گذشتهٔ استمراری (گذشتهٔ حکایگی)

از جزء پیشین «می» + ماضی مطلق (گذشتهٔ ساده) + شناسه (بندک فعلی) ساخته می‌شود. جزء پیشین «می» در زبان تاجیکی، پریفیکس نام دارد. گذشتهٔ استمراری فارسی معیار با

گذشتهٔ حکایگی در زبان تاجیکی برابر است (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۴۹؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۱۴).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
می‌رفتم /mi-raft-am/ /me:-raft-am/	می‌رفتیم /mi-raft-im/ /me:-raft-e:m/	شخص یکم (گوینده)
می‌رفتید /mi-raft-i/ /me:-raft-i/	می‌رفتید /mi-raft-id/ /me:-raft-e:d/	شخص دوم (شنونده)
می‌رفت /mi-raft/ /me:-raft/	می‌رفتند /mi-raft-and/ /me:-raft-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۴.۱.۲. گذشتهٔ نقلی مستمر

این ساخت همان ماضی نقلی است که در آغاز آن جزء پیشین «می»/mi/ می‌آید و برابر با گذشتهٔ حکایگی نقلی در زبان تاجیک است (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۵۰؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۱۵).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
می‌رفته‌ام /mi-rafte-am/ /me:-rafta-am/	می‌رفته‌ایم /mi-rafte-im/ /me:-rafta-e:m/	شخص یکم (گوینده)
می‌رفته‌ای /mi-rafte-i/ /me:-rafta-i/	می‌رفته‌اید /mi-rafte-id/ /me:-rafta-e:d/	شخص دوم (شنونده)
می‌رفته است /mi-rafte-ast/ /me:-rafta-ast/	می‌رفته‌اند /mi-rafte-and/ /me:-rafta-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۵.۱.۲. گذشتهٔ بعید (دور)

این فعل از ساخت صفت مفعولی (شکل فعل حال یا صفت فعلی فعل اساسی) + ماضی مطلق فعل یاری‌دهندهٔ بودن تشکیل می‌شود. ماضی بعید (دور) معادل با زمان گذشتهٔ دور

در زبان تاجیکی است که از نظر معنی و کاربرد در هر دو زبان یکسان است ولی تفاوت آوایی دارند (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۵۱/۲؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/۲۱۸).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
رفته بودم /rafte bud-am/ /rafta-bud-am/	رفته بودیم /rafte bud-im/ /rafta bud-e:m/	شخص یکم (گوینده)
رفته بودی /rafte bud-i/ /rafta bud-i/	رفته بودید /rafte bud-id/ /rafta bud-e:d/	شخص دوم (شنونده)
رفته بود /rafta bud/ /rafte bud/	رفته بودند /rafte bud-and/ /rafta bud-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۶.۱.۲. گذشتهٔ ابعدا (دورتر)

ماضی ابعدا از صفت مفعولی و گذشتهٔ نقلی بودن ساخته می‌شود. این زمان برابر با گذشتهٔ دور نقلی در زبان تاجیکی است و مانند گذشتهٔ بعیدا با فعل‌های تاجیکی فقط تفاوت آوایی دارد. در زبان تاجیکی از فعل حال (صفت فعلی) زمان گذشته با سوفیکس «a-آ» و فعل بودن درست می‌شود (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۵۲/۲؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/۲۲۰).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
رفته بوده‌ام /rafte bude-am/ /rafta bude-am/	رفته بوده‌ایم /rafte bude-im/ /rafta bude-e:m/	شخص یکم (گوینده)
رفته بوده‌ای /rafte bude-i/ /rafta bude-i/	رفته بوده‌اید /rafte bude-id/ /rafta bude-e:d/	شخص دوم (شنونده)
رفته بوده است /rafte bude-ast/ /rafta bude-ast/	رفته بوده‌اند /rafte bude-and/ /rafta bude-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

لازم به توضیح است که در گذشته، فعل یاری‌دهنده است به شکل کامل آن (استم، استی، است، استیم، استید، استند) استفاده می‌شد که به مرور زمان، دچار تغییر و تحول گردیده است و فقط فعل است در سوم شخص تنها (مفرد) باقی مانده و در بقیه صیغه‌ها، شناسه استفاده نمی‌شود. این نوع کاربرد را امروزه در گروهی از افعال در ایران مشاهده می‌کنیم که به افعال نیشابوری معروف است. این‌گونه کاربرد فعل است در زمان‌های گذشته نقلی، گذشته نقلی مستمر و گذشته دور (ابعد)، در هردو زبان تاجیکی و فارسی معیار، به هم شباهت دارد.

۷.۱.۲. گذشته التزامی

این فعل از صفت مفعولی (بن ماضی + ه) و حال ساده باشیدن ساخته می‌شود. در زبان تاجیکی این فعل برابر با گذشته شرطی-خواهشمند است که از صفت فعلی زمان گذشته (صفت مفعولی) + شکل آاریست /aârist/ (حال التزامی) فعل بودن ساخته می‌شود (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۵۴؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۲۰).

تنها (مفرد)، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
رفته باشم /rafte bâš-am/ /rafta bâš-am/	رفته باشیم /rafte bâš-im/ /rafta bâš-e:m/	شخص یکم (گوینده)
رفته باشی /rafte bâš-i/ /rafta bâš-i/	رفته باشید /rafte bâš-id/ /rafta bâš-e:d/	شخص دوم (شنونده)
رفته باشد /rafte bâšad/ /rafta bâšad/	رفته باشند /rafte bâš-and/ /rafta bâš-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۸.۱.۲. گذشته ملموس (ناتمام) یا گذشته استمراری

از گذشته ساده فعل یاری‌دهنده داشتن ساخته می‌شود: فعل کمکی داشتن + صورت گذشته استمراری فعل اصلی؛ و برخلاف گذشته نقلی، بعید و التزامی و جز آنها، فعل یاری‌دهنده، در آن، پیش از فعل اصلی می‌آید و هردو فعل هم صرف می‌شود.

تنها (مفرد)، فارسی معیار	جمع، فارسی معیار	
داشتم می‌رفتم /dâšt-am mi-raft-am/	داشتیم می‌رفتیم /dâšt-im mi-raft-im/	شخص یکم (گوینده)
داشتی می‌رفتی /dâšt-i mi-raft-i/	داشتید می‌رفتید /dâšt-id mi-raft-id/	شخص دوم (شنونده)
داشت می‌رفت /dâšt mi-raft/	داشتند می‌رفتند /dâšt-and mi-raft-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

این نوع کاربرد فعل، خاص زبان فارسی است اما با زمان گذشتهٔ دور دوام‌دار (معین) یا گذشتهٔ در حال انجام در زبان تاجیکی، از جهت معنی و مفهوم، برابر است، با این تفاوت که در گذشتهٔ ملموس زبان فارسی، فعل یاری‌دهنده داشتن است، اما در زبان تاجیکی، ایستادن (نک: ۲. ۱. ۹)؛ گذشتهٔ دوام‌دار معین در زبان تاجیکی از فعل حال اساسی (صفت فعلی = صفت مفعولی) + گذشتهٔ دور فعل یاری‌دهندهٔ ایستادن + فعل یاری‌دهندهٔ دوم بودن ساخته می‌شود که در این گونه، ترکیب فعل ایستادن معنی دوام‌دار بودن عمل، و یاری‌دهندهٔ بودن گذشتهٔ دور را می‌فهماند. در این نوع ساخت، دو فعل یاری‌دهندهٔ ایستادن و بودن شرکت دارند که فعل اصلی و فعل یاری‌دهندهٔ ایستادن، هر دو، به شکل صفت مفعولی می‌آیند و فعل آخر یعنی فعل یاری‌دهندهٔ بودن صرف می‌شود. معنای آن در زبان تاجیکی: «داشتم می‌رفتم...».

تفاوت دیگر این دو زمان گذشته (ملموس و دوام‌دار معین) در این است که فعل اصلی در گذشتهٔ ملموس صرف می‌شود و بعد از فعل یاری‌دهنده می‌آید، اما در گذشتهٔ دور دوام‌دار (تاجیکی) فعل به صورت صفت مفعولی در جزء نخست قبل از فعل یاری‌دهنده می‌آید. این نوع کاربرد خاص زبان تاجیکی است و در فارسی معیار استفاده نمی‌شود ولی نمونه‌هایی مشابه این فعل در تاریخ بیهقی و کلیله و دمنه مشاهده می‌شود که به معنی «شدن» است: «هوا سخت گرم ایستاد» (به نقل از احمدی گیوی ۱۳۸۰: ۲/ ۱۲۰۲)؛ «چشمه‌ها تمام خشک ایستاد»، (کلیله و دمنه، ص ۲۰۲)؛ «آب دهان او خشک ایستاده بود» (کلیله و دمنه، ص ۸۷ به نقل از ناتل خانلری ۱۳۶۵: ۲/ ۱۶۰).

۹.۱.۲. گذشتهٔ دور دوام‌دار (معین) یا گذشتهٔ درحال انجام

ساخت آن: صفت مفعولی + شکل گذشتهٔ دور فعل یاری‌دهندهٔ ایستادن + فعل کمکی بودن. در این ساخت فعل ایستادن مفهوم تکرار، و فعل بودن گذشتهٔ دور را می‌رساند؛ مثال: «آمدن شما را معطل شده ایستاده بودم. (اکرامی)»، «درست است که من این چیز یادگرفته ایستاده بودم. (عینی)» (کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۲۱).

تاجیکی	جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی
شخص یکم (گوینده)	رفته ایستاده بودم /rafta-istâda-bud-e:m/	رفته ایستاده بودم /rafta-istâda-bud-am/
شخص دوم (شنونده)	رفته ایستاده بودید /rafta-istâda-bud-e:d/	رفته ایستاده بودی /rafta-istâda-bud-i/
شخص سوم (دیگری، غایب)	رفته ایستاده بودند /rafta-istâda-bud-and/	رفته ایستاده بود /rafta-istâda-bud/

در بعضی از لهجه‌های تاجیکی این فعل به صورت زیر نیز به کار می‌رود: /raftan-
 dâštam/ رفتن داشتم = داشتم می‌رفتم، /xurdan-dâštam/ خوردن داشتم = داشتم می‌خوردم (نک: ۲.
 ۸.۱). این فعل در فارسی معیار کاربردی ندارد.

۱۰.۱.۲. گذشتهٔ ملموس نقلی

این فعل از گذشتهٔ نقلی داشتن و گذشتهٔ نقلی فعل اصلی (صفت مفعولی + می + صفت مفعولی فعل اصلی) ساخته می‌شود. این ساخت، فعل را در شُرُف اتفاق افتادن یا در حال اتفاق افتادن به طریقهٔ نقلی بیان می‌کند. گذشتهٔ ملموس و گذشتهٔ ملموس نقلی در آثار متقدمان ایران نیامده است و استعمال آن خاصّ زبان محاوره است. اخیراً، از آغاز دورهٔ مشروطه به این طرف، نویسندگانی که به زبان محاوره می‌نویسند، آنها را در آثار خود به کار می‌برند؛ مانند «عصر، مثل هر روز، از مدرسه درآمده و با یک نفر دیگر از معلم‌ها داشته می‌رفته، که ماشین زیرش می‌گیرد» (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۵۷، «جلال آل احمد مدیر مدرسه، چاپ حبیبی، ص ۸۶»).

این فعل به دلیل اینکه در زبان محاوره کاربرد دارد همهٔ صورت‌های آن تصریف نمی‌شود و خاص زبان فارسی است اما، از جهت معنی، با فعل گذشتهٔ دور دوام‌دار (معین) نقلی یکسان است.

۱۱.۱.۲. گذشتهٔ دور دوام‌دار (معین) نقلی

این فعل از شکل فعل حال (صفت فعلی = صفت مفعولی) فعل اساسی گذشته + فعل یاری‌دهندهٔ ایستادن در شکل گذشتهٔ دور نقلی تشکیل می‌یابد: صفت مفعولی + ایستادن + بودن + ام، ای، است و... این شکل فعل معنای گذشتهٔ دور دوام‌دار (معین) را به معنای نقلی بیان می‌کند، که خاص زبان تاجیکی است و در زبان فارسی کاربردی ندارد؛ معنای آن: «در حال رفتن بوده‌ام، ...». ولی از جهت معنی، با گذشتهٔ ملموس نقلی فارسی معیار برابر است. مثال: «شاقول یک گرگ را دیده است که یک گوسفند را کفانیده، خورده ایستاده بوده است»؛ «شما یک اثر نوی نوشته ایستاده بوده‌اید» (کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲ / ۲۲۱).

تتها، تاجیکی	جمع، تاجیکی	
رفته ایستاده بوده‌ام /rafta-istâda-buda-am/	رفته ایستاده بوده‌ایم /rafta-istâda-buda-e:m/	شخص یکم (گوینده)
رفته ایستاده بوده‌ای /rafta-istâda-buda-i/	رفته ایستاده بوده‌اید /rafta-istâda-buda-e:d/	شخص دوم (شنونده)
رفته ایستاده بوده است /rafta-istâda-buda ast/	رفته ایستاده بوده‌اند /rafta-istâda-buda-and/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۱۲.۱.۲. گذشتهٔ دوام‌دار

این فعل خاص زبان تاجیکی است و در فارسی معیار کاربردی ندارد؛ ساخت آن با صفت مفعولی فعل اصلی + فعل کمکی ایستادن است. این صورت فعل در تاجیکی برای زمان حال در حال انجام (دوام‌دار) نیز به کار می‌رود، که از نظر معنی با فعل حال استمراری در فارسی معیار برابر است: دارم می‌خورم /dâram mixoram/. مثال: «همین که سرش را برداشت دید که همشیره در پهلوش خنده ایستاده است (حکیم کریم)» (همان: ۲۲۳).

تاجیکی	تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی
شخص یکم (گوینده)	رفته ایستاده‌ام /rafta-istâda-am/	رفته ایستاده‌ایم /rafta-istâda-e:m/
شخص دوم (شنونده)	رفته ایستاده‌ای /rafta-istâda-i/	رفته ایستاده‌اید /rafta-istâda-e:d/
شخص سوم (دیگری، غایب)	رفته ایستاده است /rafta-istâda ast/	رفته ایستاده‌اند /rafta-istâda-and/

زمان حاضر دوام‌دار این فعل با (صفت مفعولی فعل اصلی + صفت مفعولی فعل ایستادن + فعل کمکی بودن ساخته می‌شود: رفته ایستاده باشم).

۱۳.۱.۲. گذشتهٔ دوام‌دار حکایگی

ساخت آن: صفت مفعولی فعل اصلی + پیشوند «می» + فعل کمکی ایستادن + ام، ای،
 این فعل در فارسی معیار کاربردی ندارد.

تاجیکی	تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی
شخص یکم (گوینده)	رفته می‌ایستادم /rafta-me:-istâd-am/	رفته می‌ایستادیم /rafta-me:-istâd-e:m/
شخص دوم (شنونده)	رفته می‌ایستادی /rafta-me:-istâd-i/	رفته می‌ایستادید /rafta-me:-istâd-e:d/
شخص سوم (دیگری، غایب)	رفته می‌ایستاد /rafta-me:-istâd /	رفته می‌ایستادند /rafta-me:-istâd-and/

۱۴.۱.۲. زمان گذشتهٔ احتمالی (گذشتهٔ نقلی احتمالی)

این زمان عملی را نشان می‌دهد که گوینده با شبهه و تخمین و گمان و احتمال دربارهٔ آن سخن می‌راند. گذشتهٔ احتمالی از صفت فعلی زمان گذشته + پسوند (سوفیکس) «اگی» /-agi/ + شناسه‌ها (= بندک‌ها) ساخته می‌شود. صفت فعلی زمان گذشته همان صفت مفعولی است که بعد از اضافه شدن به پسوند «اگی» /-agi/ پسوند «ه» از آخر آن حذف شده به صورت فعل + پسوند «گی» باقی می‌ماند: خوانده ← خواند + ه + گی ← خواندگی. این فعل برای حالت‌های گوناگون به کار می‌رود و سه زمان گذشته، حال

و آینده دارد. فعل گذشتهٔ احتمالی دو شکل دارد: الف) شکل کامل (پُر)؛ ب) شکل مختصر.

الف) شکل کامل: از صفت فعلی زمان گذشتهٔ فعل اصلی (صفت مفعولی) + پسوند (سوفیکس) «گی» + شکل کوتاه فعل استن، ست + شناسه (بندک‌های خبری) ساخته می‌شود، که شکل سوم شخص مفرد بدون شناسه است. معنای آن: «شاید رفته‌ام، ...» (همان: ۲۲۲).

تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی	
رفتگیستم /raftagi-stam/	رفتگیستیم /raftagi-ste:m/	شخص یکم (گوینده)
رفتگیستی /raftagi-sti/	رفتگیستید /raftagi-ste:d/	شخص دوم (شنونده)
رفتگیست /raftagi-st/	رفتگیستند /raftagi-stand/	شخص سوم (دیگری، غایب)

ب) در شکل مختصر: از صفت فعلی زمان گذشته + پسوند (سوفیکس) «اگی» /-agi/ + شناسه‌ها + ام، ای... ساخته می‌شود. فعل است، ست فقط در سوم شخص مفرد دیده می‌شود. مثال: «یگان ما شدگیست (اکرامی)» (همان‌جا).

این دو گونه کاربرد فعل خاصّ زبان گفتگو و لهجه‌ها در زبان تاجیکی است و در زبان فارسی کاربردی ندارد. معنای آن: «شاید رفته‌ام، ...».

تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی	
رفتگیم (ام) /raftagi-yam /	رفتگییم (ایم) /raftagi-ye:m/	شخص یکم (گوینده)
رفتگییی (ای) /raftagi-yi/	رفتگیید (اید) /raftagi-ye:d/	شخص دوم (شنونده)
رفتگیست /raftagi-yast/	رفتگییند (یند) /raftagi-yand/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۱۵.۱.۲. گذشتهٔ حکایگی (التزامی در زمان حال)

یک شکل دیگر گذشتهٔ حکایگی در زبان تاجیکی هست که در بعضی نواحی آن رایج است. ساخت آن: وند «می» + صفت مفعولی + شکل آریست بودن (= باشیدن) که ساخت آن تقریباً شبیه به گذشتهٔ التزامی در فارسی معیار است ولی در تاجیکی با وند

«می» همراه است: می‌رفته باشم. مثال: «اگر دوغ زده می‌توانسته باشی، رفته به شریک‌های خودت، به هم‌کاسه‌هایت دوغ زن، که آنها می‌بردارند (اکرامی)» (همان: ۲۰۶).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
می‌رفته باشیم /me:-rafta bâš-e:m/	می‌رفته باشم /me:-rafta bâš-am/	شخص یکم (گوینده)
می‌رفته باشید /me:-rafta bâš-e:d/	می‌رفته باشی /me:-rafta bâš-i/	شخص دوم (شنونده)
می‌رفته باشند /me:-rafta bâš-and/	می‌رفته باشد /me:-rafta bâš-ad/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۱۶.۱.۲. گذشته یا (حال) التزامی در حال انجام (دوام‌دار)

در بعضی از لهجه‌های تاجیکی، صفت مفعولی در این نوع فعل با پسوند «اگی» /agi/ به کار می‌رود: باید رفتگی باشم.

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفتگی باشیم /raftagi bâš-e:m/	رفتگی باشم /raftagi bâš-am/	شخص یکم (گوینده)
رفتگی باشید /raftagi bâš-e:d/	رفتگی باشی /raftagi bâš-i/	شخص دوم (شنونده)
رفتگی باشند /raftagi bâš-and/	رفتگی باشد /raftagi bâš-ad/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۱۷.۱.۲. گذشته شرطی - خواهشمندی

ساخت آن با صفت لیاقت (مانند دیدنی، خواندنی ...) + شکل گذشتهٔ نزدیک فعل‌های کمکی بودن یا شدن یا + شکل کوتاه‌شدهٔ فعل استن، بودن، مانند دانستی بودم ... و صورت کوتاه آن با ام، ای، ... همراه است. مثال: «من در همان زمین تجربه کرده دیدنی هستم (حکیم کریم)». (همان: ۱۸۰)؛ «زن و مرد به ساختمان رفتنی‌اند (بند) (حکیم کریم)» (همان: ۱۷۸).

در کتاب *گراماتیکی زبان ادبی حاضرۀ تاجیکی*، در این مورد آمده است:

زمان گذشتهٔ چنین شکل‌های خواهشمند با شکل زمان گذشتهٔ نزدیک فعل‌های یاری‌دهندهٔ بودن و شدن ترکیب می‌یابد، که این ترکیب‌ها شکل‌های نقلی و حکایگی نیز

دارند؛ مثلاً: دانستنی بودم، گفتنی بوده است، دیدنی شدم (ام)، بوسیدنی شده‌اند، برآمدنی می‌شد... (همان: ۲۰۷).

مثال: «قرض‌های میده (کوچک) را هم او دادنی شد (عینی)» (همان‌جا).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
ما رفتنی هستیم (رفتنی‌ایم) /mâ raftani hast-e:m/	من رفتنی هستم (رفتنی‌ام) /man raftani hast-am/	شخص یکم (گوینده)
شما رفتنی هستید (رفتنی‌اید) /šomâ raftani hast-e:d/	تو رفتنی هستی (رفتنی‌ای) /to raftani hast-i/	شخص دوم (شنونده)
آنها رفتنی هستند (رفتنی‌اند) /ânhâ raftani hast -and/	وی (او) رفتنی است (رفتنیست) /u(vay) raftani hast /	شخص سوم (دیگری، غایب)

یک صورت دیگر فعل گذشته شرطی-خواهشمندگی برابر با گذشته التزامی است که در ۱.۲.۷ آمده است.

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفتنی بودیم /raftani bud-e:m/	رفتنی بودم /raftani bud-am/	شخص یکم (گوینده)
رفتنی بودید /raftani bud-e:d/	رفتنی بودی /raftani bud-i/	شخص دوم (شنونده)
رفتنی بودند /raftani bud-and/	رفتنی بود /raftani-bud/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۲.۲. زمان حال

زمان حال فعل یا مضارع عملی را نشان می‌دهد که در حال حاضر و هنگام سخن گفتن دوام دارد و معمولاً بر زمان حال یا آینده دلالت می‌کند و در زبان فارسی چهار گونه است: (۱) حال ساده؛ (۲) حال اخباری؛ (۳) حال التزامی؛ (۴) حال ملموس (مستمر). زمان حال، در زبان تاجیکی، دو شکل پرکاربرد دارد: الف) حاضر دوام‌دار (معین)؛ ب) حاضر-آینده احتمالی.

زمان حال در زبان تاجیکی: (۱) آریست: خوانم، خوانی؛ (۲) حاضر-آینده: می‌روم؛ ۳- حال التزامی: بروم؛ (۴) شکل کامل زمان حال التزامی احتمالی: می‌رفتگیستم؛ (۵) شکل مختصر زمان حال التزامی احتمالی: می‌رفتگیم(ام)؛ (۶) حاضر دوام‌دار (معین) یا حال در حال انجام احتمالی: خوانده ایستادگیستم؛ (۷) شکل حاضر دوام‌دار: خوانده ایستاده باشم؛ زندگی کرده ایستاده باشم؛ (۸) حاضر دوام‌دار معین یا حال در حال انجام: خورده ایستاده‌ام.

۱.۲.۲. حال ساده

از اساس زمان حال + شناسه‌ها (بندک‌ها) ساخته می‌شود:

روم /ravam/ روی: فارسی معیار: /ravi/ تاجیکی: /ravey,ravi/ رود /ravad/ رویم:
فارسی معیار: /ravim/ تاجیکی: /rave:m/ روید: فارسی معیار: /ravid/ تاجیکی:
/rave:d/ روند /ravand/

این فعل در زبان گفتاری و نثر معاصر فارسی معیار کاربردی ندارد، فقط در نظم مشاهده می‌شود. حال ساده هم برای زمان حال و هم آینده به کار می‌رود و در زبان تاجیکی، برابر با شکل آریست است که طرز ساخت و تصریف آن نیز با حال ساده یکسان است، با این تفاوت که کاربرد این گونه فعل در زبان تاجیکی بیشتر است؛ مثال: «البته رود، به مکتب خواند، ملاً شود (رحیم جلیل)» (همان: ۲۲۲).

۲.۲.۲. حال اخباری

این فعل از اساس زمان حال + شناسه‌ها (بندک‌ها) + جزء پیشین (پریفیکس) «می» ساخته می‌شود. حال اخباری با زمان حاضر-آینده در زبان تاجیکی برابر، و طرز ساخت هر دو یکسان است، جز اینکه تفاوت آوایی دارند (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۵۷/۲ و ۶۱؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/۲۲۵).

جمع، فارسی، تاجیکی	تنها، فارسی، تاجیکی	
می‌رویم /mi-ravim/ /me:-rave:m/	می‌روم /mi-ravam/ /me:-ravam/	شخص یکم (گوینده)
می‌روید /mi-ravid/ /me:-rave:d/	می‌روی /mi-ravi/ /me:-ravey/	شخص دوم (شنونده)
می‌روند /mi-ravand/ /me:-ravand/	می‌رود /mi-ravad/ /me:-ravad/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۱.۲.۲.۲. حاضر- آیندهٔ صیغهٔ شرطی - خواهشمندی

این فعل با صفت لیاقت + فعل کمکی بودن (باشیدن و هستن) ساخته می‌شود. فعل شرطی-خواهشمند معنی امر و التزام دارد. این نوع فعل، در هر دو زمان گذشته و حاضر-آینده، در فارسی معیار رایج نبوده و خاص زبان تاجیکی است. در این زمینه در گراماتیکی زبان ادبی حاضرۀ تاجیکی آمده است:

فعل‌هایی که اساسشان از صفت فعلی زمان آینده گرفته شده‌اند با معنای گراماتیکی خود نیز به صیغهٔ شرطی-خواهشمند منسوب‌اند. جزء اساسی چنین فعل‌ها صفت فعلی زمان آینده بوده، آن از مصدر با علاوهٔ سوفیکس «ای» ساخته می‌شود: رفتنی، تفتیش‌کردنی، از نظرگذراندنی، دیده‌برآمدنی و غیره...؛ شخص و شمارهٔ چنین فعل در شکل تصریفی بی‌واسطه با بندک‌های خبری "خواندنی‌ام، خواندنی‌ای، ..." و بندک‌های فعلی با آریست بودن: "خواندنی باشم، خواندنی باشی،..." افاده می‌یابد. این فعل‌ها به زمان آینده نیز دلالت دارند. مثال: «امروز تو حکومت را فریب‌دانی می‌شوی. مردک به روبین هجوم‌کردنی می‌شود.» (حکیم کریم)؛ «من گفتنی هستم که در این کردار او چه سرّی هست؟ (محمداوف)» (همان: ۲۰۷).

این نوع فعل خاص زبان تاجیکی است و در فارسی معیار کاربردی ندارد.

تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی	
رفتنی می‌باشم (هستم) /raftani me:-bâš-am/(hastam)	رفتنی می‌باشیم (هستیم) /raftani me:-bâš-e:m/(haste:m)	شخص یکم (گوینده)
رفتنی می‌باشی (هستی) /raftani me:-bâš-i/(hasti)	رفتنی می‌باشید (هستید) /raftani me:-bâš-e:d/(haste:d)	شخص دوم (شنونده)
رفتنی می‌باشد (هست) /raftani me:-bâš-ad/(hast)	رفتنی می‌باشند (هستند) /raftani me:-bâš-and/(hastand)	شخص سوم (دیگری، غایب)

۳.۲.۲. حال التزامی

با اساس زمان حاضر + جزء پیشین (پریفیکس) «ب» ساخته می‌شود. این فعل در هر دو زبان مانند هم است، فقط تفاوت آوایی در وند دارد: در فارسی معیار «be» است و در تاجیکی «:bi, bu, be» (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۶۱؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۲۶).

تنها، فارسی، تاجیکی	جمع، فارسی، تاجیکی	
بروم /be-ravam/ /bi-(be:/bu)ravam/	برویم /be-ravam/ /bi-(be:/bu)ravam/	شخص یکم (گوینده)
بروی /be-ravi/ /bi-(be:/bu)ravi/	بروید /be-ravid/ /bi-(e:/bu)ravid/	شخص دوم (شنونده)
برود /be-ravad/ /bi-(be:/bu)ravad/	بروند /be-ravand/ /bi-(be:/bu)ravand/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۴.۲.۲. حال ملموس (مستمر)

حال ملموس وقتی به کار می‌رود که نویسنده یا گوینده بخواهد فعلی را که در شرف وقوع یا در حال انجام است، بیان کند؛ مثال: دارم می‌روم /dâram mi-ravam/ دارم می‌نویسم یعنی «در حال نوشتن هستم».

این فعل نیز خاصّ زبان فارسی است و در زبان تاجیکی به کار نمی‌رود، اما ساختی دیگر با همین معنا و مفهوم در زبان تاجیکی رایج است با عنوان *حال* در حال انجام (حاضر دوام‌دار) مثال: خورده ایستاده‌ام یعنی «دارم می‌خورم» (نک: ۹.۲.۲).

۵.۲.۲. حاضر دوام‌دار احتمالی (یا حال در حال انجام احتمالی)

این فعل با مفهوم شک همراه است. در فارسی معیار، ساخت جداگانه‌ای از حال در حال انجام (دوام‌دار) دارد ولی در تاجیکی، این‌گونه ساخته می‌شود: صفت مفعولی + فعل یاری‌دهنده ایستادن به شکل احتمالی زمان گذشته + «آگی» /agi/ + کوتاه‌شده هستن + شناسه (شکل کامل یا مختصر بندک‌های خبری)؛ مانند خوانده ایستادگیست به معنی «شاید دارد می‌خواند». لازم به ذکر است فعل کمکی ایستادن در زبان تاجیکی، از نظر معنی، برابر با فعل کمکی داشتن در زبان فارسی است و مفهوم استمرار دارد. مثال: «...به خون آغشته شده، جان‌کنده ایستادگیست (حکیم کریم)» (همان: ۲۱۰).

تنها، تاجیکی	جمع، تاجیکی	
خوانده ایستادگیستم /xânda-istâdagi-stam/	خوانده ایستادگیستم /xânda-istâdagi-ste:m/	شخص یکم (گوینده)
خوانده ایستادگیست /xânda-istâdagi-sti/	خوانده ایستادگیستید /xânda-istâdagi-ste:d/	شخص دوم (شنونده)
خوانده ایستادگیست /xânda-istâdagi-st/	خوانده ایستادگیستند /xânda-istâdagi-stand/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۶.۲.۲. شکل کامل حال التزامی احتمالی (یا حاضر-آینده صیغهٔ احتمالی)

ساخت آن: پیشوند «می» + صفت مفعولی با «آگی» /agi/ + کوتاه‌شده هستن + شناسه. مفهوم آن با شک و تردید همراه است و در فارسی کاربردی ندارد. این شکل فعل و صورت مختصر آن در شمارهٔ ۷.۲.۲ هم بر زمان حال التزامی و هم آینده دلالت می‌کند: می‌رفتگیستم به معنی «شاید بروم».

مثال: «تا بهار ساخته تمام می‌کردگیستیم (اولغزاده)» (همان‌جا).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
می رفتگیستیم /me:-raftagi-ste:m/	می رفتگیستم /me:-raftagi-stam/	شخص یکم (گوینده)
می رفتگیستید /me:-raftagi-ste:d/	می رفتگیستی /me:-raftagi-sti/	شخص دوم (شنونده)
می رفتگیستند /me:-raftagi-stand/	می رفتگیست /me:-raftagi-st/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۷.۲.۲. شکل مختصر حال التزامی احتمالی

با همراه کردن پیشوند (پریفیکس) «می» به صفت زمان گذشته (صفت مفعولی) + پسوند (سوفیکس) «گی» + شناسه (بندک‌های خبری) افاده می‌یابد. مفهوم آن با شک و تردید همراه است و در فارسی کاربردی ندارد: می رفتگیم (ام) یعنی «شاید بروم». مثال: «لیکن پولش را چند روز کار می فرمودگید (عینی)» (همان: ۲۲۲).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
می رفتگی ایم /me:-raftagi-e:m/	می رفتگیم (ام) /me:-raftagi-yam/	شخص یکم (گوینده)
می رفتگی اید /me:-raftagi-e:d/	می رفتگی (ای) /me:-raftagi-yi/	شخص دوم (شنونده)
می رفتگی اند (یند) /me:-raftagi-yand/	می رفتگیست /me:-raftagi-st/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۸.۲.۲. شکل حاضر دوام‌دار

این فعل با صفت مفعولی + فعل کمکی ایستادن به صورت صفت مفعولی + فعل کمکی بودن + شناسه ساخته می‌شود و در فارسی معیار به کار نمی‌رود: خوانده ایستاده باشم؛ زندگی کرده ایستاده باشم (همان: ۲۰۶).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفته ایستاده باشیم /rafta-istâda-bâš-e:m/	رفته ایستاده باشم /rafta-istâda-bâš-am/	شخص یکم (گوینده)
رفته ایستاده باشید /rafta-istâda-bâš-e:d/	رفته ایستاده باشی /rafta-istâda-bâš-i/	شخص دوم (شنونده)
رفته ایستاده باشند /rafta-istâda-bâš-and/	رفته ایستاده باشد /rafta-istâda-bâš-ad/	شخص سوم (دیگری، غایب)

۹.۲.۲. حاضر دوام‌دار معین یا حال در حال انجام (دوام‌دار)

ساخت این فعل در تاجیکی با فارسی معیار کاملاً متفاوت است؛ این فعل در فارسی با فعل معین داشتن ساخته می‌شود: دارم می‌خورم، داری می‌خوری...؛ ولی در تاجیکی با فعل معین ایستادن (صفت مفعولی + گذشتهٔ نقلی فعل کمکی ایستادن)؛ مانند خورده ایستاده‌ام؛ شُنیده ایستاده‌اند.

مثال: «پسرش پاده (گله) را چراگاه رانده ایستاده است (رحیم جلیل)»؛ «از روی خبرهای پخته‌ای که به من رسیده ایستاده است، کار ما آن قدر خوب نیست (عینی)» (همان: ۲۲۳).

جمع، تاجیکی	تنها، تاجیکی	
رفته ایستاده‌ایم /rafta-istâda-e:m/	رفته ایستاده‌ام /rafta-istâda-am/	شخص یکم (گوینده)
رفته ایستاده‌اید /rafta-istâda-e:d/	رفته ایستاده‌ای /rafta-istâda-i/	شخص دوم (شنونده)
رفته ایستاده‌اند /rafta-istâda-and/	رفته ایستاده‌است /rafta-istâda-ast/	شخص سوم (دیگری، غایب)

فعل امر: فعلی است که با آن فرمانی می‌دهیم یا از کسی می‌خواهیم کاری را انجام دهد یا حالتی را بپذیرد. فعل امر دو ساخت دارد: دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع: برو، بروید؛ که دوم شخص مفرد مختصّ امر، و دوم شخص جمع مشترک میان امر و مضارع التزامی (بروم، بروی ...) یا مضارع ساده (روم، روی ...) است (در تاجیکی به این‌گونه فعل آاریست می‌گویند). دوم شخص مفرد اساس زمان حاضر است و اغلب با جزء پیشین (پریفیکس) «ب» به کار می‌رود، گاهی هم بدون «ب»؛ در دوم شخص جمع، شناسه (بندک) به آن افزوده می‌شود: برو: (ب+رو)، بروید: (ب+رو+ید) (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۶۲ / ۲؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲ / ۲۰۹).

این فعل در زبان تاجیکی فعل فرمایشی نام دارد و ساخت و کاربرد آن در هر دو زبان یکسان است. شکل مفرد این فعل گاهی در نظم با جزء پیشین (پریفیکس) «می» می‌آید: می‌رو /me:-raw/، می‌خوان /me:-xân/، می‌باش /me:-bâš/ و دوم شخص

جمع امر با «اید» /e:d/ و گاهی با «ایتان» /e:tân/ می‌آید: روید، رویتان؛ بینید، بینتان؛ گیرید، گیریتان.^۱

شکل منفی آن نیز با پیشوند «م» یا «ن» همراه است؛ مثال: «باز معذرت می‌خواهم خفه نشوید [= ناراحت نشوید] (اکرامی)» (همان‌جا). در شهر سعدآباد بوشهر نیز هر دو صورت رایج است: بچه فضولی نکن! /beče erneki moko/ یا بازی نکن را می‌گویند میاز /meyâz/ اما در فارسی معیار صورت منفی امر با پیشوند «ن» همراه است: «نرو، نیا، نخواب». یک تفاوت دیگر فعل امر در هر دو زبان، در پیشوند است: در زبان فارسی «ب» /be/ یا بُ /bo/ و در زبان تاجیکی «بو» /bu/ «بیب» /bi/ یا، «ب» /be/ است: «/bi-rav, /bu-xur/»

۳.۲. زمان آینده (مستقبل)

از بن ماضی فعل اصلی (اساس زمان گذشته) با حال ساده خواستن ساخته می‌شود و فعل یاری‌دهنده در آغاز فعل قرار می‌گیرد. ساخت این فعل شبیه به فعل آینده کتابی یا آینده دور در زبان تاجیکی است و تصریف آن در هر دو زبان یکسان است. در فعل زمان آینده، فعل اصلی صرف نمی‌شود بلکه به صورت سوم شخص مفرد قرار می‌گیرد، اما فعل یاری‌دهنده خواستن صرف می‌شود (انوری و احمدی گیوی ۱۳۷۵: ۲/ ۶۲؛ کریم‌اوف و دیگران ۱۹۸۵: ۲/ ۲۲۶).

خواهم رفت؛ خواهی رفت؛ خواهد رفت؛ خواهیم رفت (تاجیکی) /xâhe:m-raft/؛
خواهید رفت (تاجیکی) /xâhe:d-raft/؛ خواهند رفت. در باقی صیغه‌ها اختلاف آوایی
چندانی نیست.

در زبان تاجیکی سه نوع آینده وجود دارد:

(۱) آینده کتابی.

(۱) صورت دوم این فعل با «تان»، در شهر کوچکی به نام کُنارتخته /konâr taxte/ در سی کیلومتری برازجان در استان بوشهر، رایج است: بریتون /bereytun/ «بروید»؛ بییتون /biyeyitun/ «بیاید». در واقع، با تبدیل /â/ به /u/ تلفظ می‌کنند.

۲) آینده احتمالی، که در فعل‌های حال التزامی احتمالی در ۶.۲.۲ و ۷.۲.۲ هر دو نوع آن توضیح داده شد. مثال: «البته فیروز خون می‌خوردگست، می‌تپیدگیست، به اداره‌ها سر می‌زدگیست، به چیکه [اسم مکان] می‌رفتگیست... (اکرامی)» (همان: ۲۲۷).

۳) زمان حاضر-آینده که برابر با حال ساده است؛ از این جهت، به این فعل حاضر-آینده می‌گویند که هم برای زمان حال (حاضر) و هم برای زمان آینده به کار می‌رود. ساخت آن: جزء پیشین «می» + بن مضارع (اساس زمان حاضر) + شناسه است: می‌روم.

۳. نتیجه

در این مقاله، تعداد ۳۷ فعل فارسی معیار و تاجیکی با هم از جهت تفاوت و شباهت در ساخت، زمان، آوا، انواع صفت مفعولی، معنی و مفهوم فعل‌ها بررسی و با هم مقایسه شد. نتایج حاصل از آن به شرح زیر است:

— در هر دو زبان، فعل سه زمان دارد.

— شمار، شخص و شناسه در هر دو زبان یکسان است؛ زبان تاجیکی دو ضمیر شخصی بیشتر از فارسی معیار دارد: مایان، شمایان؛ و دو شناسه هم افزون بر فارسی دارد: ایتان، یند.

— از پنج صورت صفت مفعولی تاجیکی، فقط یکی (بن ماضی + ه) با فارسی معیار برابر است.

— فعل در فارسی معیار و تاجیکی، از جهت ساخت و زمان، در دوازده نوع با هم مشترک‌اند: (۱) گذشته ساده = گذشته عادی: رفتم؛ (۲) گذشته نقلی: رفته‌ام؛ از پنج صورت فعل نقلی در زبان تاجیکی، فقط یک صورت به فارسی معیار شباهت دارد؛ (۳) گذشته بعید یا دور: رفته بودم؛ (۴) گذشته ابعَد (دورتر) = گذشته دور نقلی تاجیکی: رفته بوده‌ام؛ (۵) گذشته استمراری = گذشته حکایگی: می‌رفتم؛ (۶) گذشته نقلی مستمر = گذشته حکایگی نقلی: می‌رفته‌ام؛ (۷) گذشته التزامی = گذشته شرطی-خواهشمند: رفته باشم؛ (۸) حال ساده (کم‌کاربرد در فارسی) = آاریست (پرکاربرد در تاجیکی): روم؛ (۹) حال اخباری = حاضر-آینده:

می‌روم؛ ۱۰) حال التزامی: بروم؛ ۱۱) فعل امر؛ ۱۲) آینده = آینده کتابی (دور)؛ از سه زمان آینده، دو صورت به فعل‌های فارسی معیار شبیه‌اند.

— فعل‌های تاجیکی در بیست نوع فعل، هم در ساخت و هم در زمان، با فعل‌های فارسی معیار تفاوت دارند، فقط در چند نوع از جهت معنی و مفهوم به یکدیگر نزدیک‌اند.

— بعضی از فعل‌های تاجیکی چند شکل دارند؛ مانند صیغه احتمالی، صیغه نقلی و آینده.

— تمام فعل‌های دوم و سوم شخص جمع و پیشوند «می» /mi/ و «ب» /be/ در زبان تاجیکی با فارسی معیار تفاوت آوایی دارد.

منابع

- احمدی گیوی، حسن، ۱۳۸۰، دستور تاریخی فعل، ج ۲، تهران.
انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، ۱۳۷۵، دستور زبان فارسی، ج ۲، چ ۱۳، تهران.
ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۵، تاریخ زبان فارسی، ج ۲، تهران.
کریم‌اوف، هلال و دیگران، ۱۹۸۵، گراماتیکی زبان ادبی حاضر تاجیکی، ج ۲، دوشنبه.

